

۹۳، ۱۲، ۶ استعاره‌های تفسیر مفهومی قرآن

خنده آیه پیرامون قرآن

۱- هدایت گرهان: سوره اسراء آیه ۹۱ به رسمت به این قرآن مدام راه استوارترین راه هدایت می‌گردد. این همان لسان سیمیری لکن می‌انگام

۲- تذکر و بیندردم: ولقد یسر القرآن لظہر نعل من مذہبہ، سوره مبارکہ قرآنیہ ۱۷ و هر آینه قرآن را آسان کردیم برای بیندگرتن پس آیا بید گریزنده ای هست

۳- درمان و رحمت برای مؤمنان: و نزل من القرآن ما هو بظاہر و در عارضت المؤمنین

سوره اسراء آیه ۸۲ و و ما آتیہ از قرآن می‌ترسیم سفیدی برای دل و رحمتی برای مؤمنان است

۴- خواندن قرآن: سوره فصل آیه بیت: به هر حال آنچه میسر است به قرائت قرآن پیروزانید.

۵- همه چیز در قرآن است: سوره انفصام ۵۹: هیچ ترویجی نیست بر آنکه در کتاب همین (قرآن) نوشته شده باشد.

۶- تدبیر در قرآن: سوره محمد (ص) آیه ۲۴ چادر باره توان گفتی و تدبیر نمی‌کنند تا بید و عبرت گیرند آیات دلهای آنها قلم زده است

۷- و طبعه شنود، قرآن سوره اعراف آیه ۲۰: نمی‌ترکان طرانه می‌شود لکن فراداره و طبعش برید تا حقایق آنرا درک کند و مورد لطف و رحمت خداوند قرار گیرد. چو قرآن بتوانند در مومنین به آیات قرآن ~~طراوه~~ در پیش

۸- قرآن کتاب پربرکت است: سوره انفصام آیه ۹۳، این قرآن کتابی است که ما آنرا فرستادیم پربرکت است و لولا حسن کتابت آن آسان است.

عید به چه غنایت: در لغت از ماده عود که به معنای بازگشت گرفته شده است از این برداشته‌اند

در عادت همچون اصلیت در آن فرس حال و حال خدا می‌و بازگشت به آن است مدار از این کلمه بازگشت

کمال است پس هر طایفه این امر یا طبیعت به جا می‌رود و اصل خود پیش بازگشت آن روز روزی است که من شنیدم آنرا عید نامیدم.

عید در قرآن، در قرآن کیم به صورت صریح تکرار شده که عید بیاطراف است **سوره علقه آیه ۱۱۴**

در سبیل در ضایع هوا بیرون این واد، بفرزنده است.

(امام علی علیه السلام)

بسم الله الرحمن الرحیم فی شهر رمضان علیه هر روزی که در آن به خدا تعالی استغاثه انجام شود آن روز میرا

کدام سوره نامت تمام خدا معزوات : اخلاص

خنده سوره سجده دار دایم : فصلت - نجم - علق سجده

سوره مقفوب به امام جعفر سوره فجر

سوره های که با الحمد لله شروع می کنند؟ حمد . انعام . الحف . سبع . فاطر

اگر چه است نزل بدون وضو بنام شیطان فرعون در غیره صحیح دار سبع کلمات قرآن

بدون طهارت جایز نیست اگر چه کلمات خوبی نباشد و زیست باشند

خواندن قرآن توسط خانها نادر آنگاه جایز است؟ اگر به کیفیت باشد نوعاً قبیح

جائز نیست

• جمله در بعضی از جاها فاعل مفرد ذکر شده است و بعضی جاها جمع استناد شده (لایق و ریا)

۱- برود در فاعل فرد آمده است - بعث عبودیت و رحانیت (در جاهایی که نقداً مخصوص خداوند است)

۲- بعث برضی از صفات مخصوص خداوندی باشد مانند شفا دادن - رزق دادن - مغفرت

انا القدر الرحیم

مبارکی که فاعل جمع آمده و در دو مورد جمع آمده است ۱- ام خاطر اهیته و غفلت موضوع

۲- استناد از اثر و وساطت خداوند دنیا با استناد از دست خداوندی که هیچ امری انجام نمی‌شود

مغفرتی که مملکتی با آن نزل کند

فرق احد واحد هر دو به معنی یکی بودن است ولی فرق واحد نفسی نفسی است یعنی ترکیب می‌کند و بیضا است

نام چه فرشته‌هایی در قرآن آمده است: پنج فرشته در قرآن آمده است جبرئیل یارح امین ۱، ۲ - مارت جبار دان <sup>سهم</sup>

۳ روح القدس: مارت نسبت انبیا بوده است ۴ هاروت از زبان حضرت جالوت ۵ میکائیل برای رزق

۶ - مالک: طایفه در جهنم است

۱۲، ۱۳، ۹۳ - جمله فعل استناد خدایی چهار صفتی نفسی قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم به نام خدایی که رحمان و رحیم است

فرق رحان و رحیم: رحان: رحمت عام خداوند است رحمت خاص خداوند رحیم است

عام - رحان: اسم خاص و صفت عام هم برای مؤمن رحیم برای غیر مؤمن

خاص - رحیم: اسم عام رحمت خاص است فقط شامل مؤمنین است

به خاطر همین رحان به رحمت اسمی که در نماز و یا با می‌دند باشد

۲۱۱۰۶۰  
ابتدای محمدی است

هدایت و هدایای الهی به هدایت الهی و هدایت الهی است

خداوند آفرین است

در زمان صبح میانه است که بر سر دلالته دارد و در صبح هر روز می بینیم

شهادت به ثبات و بقا در تمام راهی است که بین خدای رحمان یعنی کثرت رحمة و خدای بر صبح

یعنی دایره الرحمة

سوره اعداف آیه ۱۵۶ رحمت همه چیز را فروخته و بر روی همه آنرا به کسی که در آیه است

اعتقاد من در همه

چرا سوره هاشمیه را با اسم الهی شروع می کنند؟

چرا کلمه طهارا با نام خدا شروع می کنیم؟

کدام سوره معاد که این برابر با تعداد سوره قرآن است؟

قلب قرآن و یا مین است

عذر من قرآن: الرحمن است

انف کما حی اوقات مردم عملی را که انجام می دهند و یا می خواهند آغاز کنند عمل خود را به نام عزیز و یا عزیزی آغاز

می کنند تا بدین وسیله مبارک و برتر شود و یا از این جهت که هر دو اقوام به خود بلبرند یا خدا می

باعت خود که هر وقت یاد آن محل به میان می آید به یاد آن محلی بیایم. عین همین مطلب را در تاجگذاری  
 رعایت می کنیم. مثلاً مولود که بدیای می آید یا خانه و مونس که بیایم گفته به نام مصوب و عطیگی نام  
 می گذارند تا آن نام با بقای آن مولود بماند همانند مثل کسی که فرزندش را به نام پارس و پسرش می نامند.  
 تا هورا نامش بر سر زبانش بماند.

بر خداوند نامش را اول قرآن گذاشته این مسئله در مورد خداوند نیز جریان یافته است

خداوند نیز کلام خود را با نام خود که عزیزترین نام است آغاز کرد. تا آنچه در تاسیس است ماکر و نشانه او را  
 دانستند با مرده هم چنین تا ادبی باشد که بشود خدا را به آن ادب مؤدب نماید تا محاسن خدایی شده  
 و صفات اعمال خدا را داشته باشد و مقصود اصلی از آن اعمال در خوا و رضای او باشد و در نتیجه باطل و  
 هلاک و ناعصی و ناقص تمام نمائند چون به نام خدای اکتار معده هلاک و بطلان در آن راه نداد  
 حضرت رسول و فرمایند: هر اندکی از امور که الهی دانسته باشد آن را به نام خدا آغاز شود ناعصی و

انتر  
 انتر

یعنی اینم آخرتی بریده باشد

بنابر این حرف «ب» که اول اسم است از میان عطیگی که بر آن است ارساء شد

پس معنی ابتدا از همه بهتر است یعنی من به نام خدا آغاز می کنم

۲، ۴، ۹۴ استناد فدايي شيرين چارشنبه  
امام هادي: خداوند بقره هاي دارد که دست دارد و از آنها عاقل شود تا دعای لي لاله از خداوند مستجاب  
و بارگاه امام صبيحی هم از آنها

امام هادي معنی آنکه در چي تقدیر به انسان می رسد از نفسی که برای آن خدا را شکر کند بالاخر است زیرا معنی آن که این دنیا  
هستند ولی تقدیر هم تحت ریاست و هم تحت آفرینش.

امام هادي از کز نمودن سبب کسی که خود را خوار و سب می شمارد این معنی فبایش.

امام هادي بجهت ازین دنیا بگوید که بسیار از زوایای کفرند آن است بجز از علم حاصل آن است و بعد از آن بی  
عالمی آن است

امام هادي که کار این که در کفران از اولاد کنند: هر کس از خدا فرمان ببرد از زوایای بزند.

ان الله من ال له:  $\left. \begin{array}{l} \text{یعنی پرستیدنی (معبود - مورد پرستش) همچون معبود است و مورد پرستش واقع} \\ \text{است از دورین است می شود} \\ \text{و کلمه یعنی از حیرت و تحیر عقول انسان از ذات خدا حیران است} \end{array} \right\}$

خود بردی به کلمه دانش اگر رسد ضمن به مقدر دریا

و ظاهر کلمه (امه) در اثر لغت استعمال عظیم (اسم خاص) و کلمه قبل از قول قرآن این کلمه بر سر زبانها بوده

و عرب جاهلیت آنرا منساخته همشاکله در این شریف فرخنده آری ۸۷

و کس استلتم من خلقتم لیقولن الله... آنرا از ایشان بر سریده چه کسی که اهلوق کرده خداوند است -

- ۱- اصول مستشرقان: ۱- خدای تعالی ترجمه
- ۲- اهل نبوت - پیامبر
- ۳- اهل عباد - روز قیامت
- ۴- امامت
- ۵- عدالت

لفظ جلاله قرآن اسم است برای ذات واجب الوجود که دارنده تمام صفات کمالی است.

آیا خواندن از روی ترجمه قرآن مفید است؟ از نظر معنی ترجمه قرآن در حکم خود قرآن نیست به همین علت

مراجع نیز روی آن تاکید فرموده اند مسیح نمودن خط قرآن یعنی رساندن جای از بدن به خط قرآن بی گناهی که دروغ

فناز حرام است اول چنانچه قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کرده باشند مسیح کردن آن بدون شک

است از طرف دیگر نقصان آنکه به انسان باید نماز را یاد بگیرد تا غلط نخواند بنابراین خواندن فارسی قرآن <sup>ترجمه</sup>

بجای عهد و سوره جایز نیست از نظر مستوا و معنوم نیز ترجمه قرآن هر چه به معنای معنوم قرآن نزدیک

باشد باز هم به طور کامل نمی تواند معنای قرآن را به مخاطب برساند پس در درجه اول یادگیری زبان عربی

برای درک بهتر معنای قرآن امر پسندیده است اما این طلب بدان معنی نیست که استفاده از ترجمه های غیر

قرآن فایده ای نداشته باشد بلکه استفاده از این ترجمه ها برای کسانی که زبان عربی نمی دانند مفید است.

واژه های به در قرآن در سوره شاه آمده است و

از زبان قرآن و پیامبر گرامی (ص) و ائمه (ع) با واژه های مختلف از زبان غیر رسیده است که هر کدام لغوی از معنی

از آثار مستقیم است، چرا بر می دارد و بی آنکه متلف بدون کلامی باشد.

۱- ذنب به معنی دم است یعنی هر نفسی که دم برای انسان درست می کند و برای انسان دبا که در سینه می کشد

گناهان روح انسان را سنگین می کند و جلوی تکرر انسان را می گیرد.

واژه جُب در قرآن چند بار آمده است به ۳۵ بار

۲- معصیت: واژه دیگری که هم در قرآن آمده است به معصیت به معنی برپایی و خروج از فرمان

خداست و می آنگذارد است به انسان از مرتز تنبلی خدا بیرون رفته است.

این واژه در قرآن خیمه بار آمده ۳۳ بار

عاصی: کسی که امرهای خودش را سرپیچی می کند.

۳- اشم: عبارت است از حالتی که در انسان یا هر چیزی دیگر در عقل بیداری شود به باعث کندنی انسان

از رسیدن به غیرت می شود. بنا بر این اسم آن گنا می است به دنبال شقاوت و عروبت از نقصانی

دیگر برای دنبال دارد و معصیت در دنیا می گذرد تباهی سازد عقا ر سهرت شدت فر

از کارهایی که هیچ انسانی از برای منطوق غیرت زندگی انجام نمی دهد و بر علی سوجد از خطا ط اجتماعی و

سعدت آدمی از دوزخ اجتماعی و صلب انما د جامع از آدمی می شود.

واژه اشم خیمه بار در قرآن آمده است ۴۸

۴- سینه: نه جمع آن سینهات می باشد به معنای حادثه و یا چیزی است که از سینه می راید

خنده و راه دارد برای این گاهی لفظ آن بر امور و مصائبی که آدمی را بد حال می کند اعلان می شود

مانند آیه ۷۹ سوره ناس و هیچ صیغی به توفی ربه مگر از جانب خودت

لظالم ۷۹

حرفه علی البلا و اللذین علی معان

نبی

رسول  
الذالذین

۱۲۴

خاتم

اولیاء ۷۹

آیه ۷۹ سوره ناس: عجله دارنده به بلا و به نسبت آنها بیاید

۵- جرم در اصل به معنی جدا شدن میوه از درخت و به معنی پست نیز آمده است، مجرم و جانی

از همین ماده می باشد، جرم عملی است به انسان یا از حقیقت عدت مقابل عدت جدایی ساز این واژه است

بار در قرآن آمده است

۶- حرام: به معنی ممنوع است چنانکه لباس امرام لباسی است که انسان در حج و عمره می پوشد و از آن سری کاها

ممنوع می باشد و ماه حرام ماهی است که بخورد آن حرام است و مسجد الحرام یعنی مسجدی که در آن حرم است

خاص بوده و مورد مشربین، آن ممنوع بود، این واژه در قرآن آمده است

۷- خطیئه: سر خدمت <sup>راقیب آنها</sup> و وقتی کسی اراده بخیزی کند و اتفاقاً چیزی دیگری را بدست آورد یا کار دیگری کند

می گویند فلانی خطا کرده و اگر همان چیز را که خواسته بود بدست آورد می گویند فلانی اصحاب کرده (به همت رسید)

اصابت در مقابل خطیئتی باشد

۸- قسوس: در اصل به معنی خریج هسته خرازی بود خودی باشد و بنا بر خریج بناحق از سار اطلاق و

بندی خداست که با او با نیا خدا حرم و عصا قرآن الهی را شکسته و در تنجیم بدل قلع و عصا رانده است

۵۲ بار در قرآن آمده است

غیبت جائز چیست؟

۲- احقاق حق - جای که طرفین ظلم شد، سرزنش آیه ۴۸

۳- در باب مشورت

۴- تحقیق و استعصاف در امر ائمتی و استعصاف

۵- جنگداری خطرات و انحرافات بزرگ

۶- شجاعت در دفاع از اهل بیت و تقدیر

۷- نیناز فکری

سه گروه هستند که حرمت را خدا می ندارند؟

۱- انسان بجهت بی باکی بدعت گذار

۲- ناله مدار گنگد

۳- کسی که آشکارا عصیت می کند

۹- فدا: به معنی خروج از حد اعتدال است که نتیجه آن تباهی و بهر حد رفتن است و هاست با آیه ۵۵ بار قدر از قرآن

۱۰- قصه زهرا به معنی در برهه ای است و کلمه شدن برده حیاء و ابروی و این است که باعث رسوایی می شود ۴ بار آمده است در قرآن

۱۱- منکر: در انبار از انبار به معنی نماندن است چرا که نشاء با فطرت و عقل منم هانند و طغی است و عقل و

فطرت منم از انزست و بیعت منم هم در این شعر ۱۶ بار در قرآن آمده و بیشتر در عنوان نهی از انزست آمده

۱۲- خاصه: به معنی دکاری که در زمین آن تدبیری وجود نداشته باشد در معاری به معنی کار بی انزست

فونگی و نوزت آوریم کار هر که که خدای تعالی زنا و لواط را از آن چه دانسته اند ۲۴ بار در قرآن آمده

۱۳- حبیب: کلمه طیب به معنی پاک و دلچسب است در مقابل بهر از نوزت زنا شده حبیب گویند ۱۶ بار

۱۴- شد به معنی هرگز زشتی است که نوع مردم از آن نفرت دارند و میترسند و او را خیر به معنی کاری است

که نوع مردم آنرا دوست دارند بلکه شده قائلند در مورد بلاها گرفتارند کما عموماً و عملی خاص نیز است

گناه کار هر دو جنبه در آیه ۸ سوره نازعات

۱۵- علم : به معنی تربیت شدن به گناه و به معنی ارتکاب گناه است و در قرآن بار آمده  
اعلم صلی شود، این است که کسی بزرگوار هم تصحیح بگیرد و سپس ارتقا دهند. در جای دیگر فرموده است  
۱۶- مانی گناه را انجام دهد و تا معنی دنبال اول گناه برود.

۱۶- وزیر به معنی سفیدی است و بیشتر در سوره حمل است، در قرآن چهار می رود. وزیر کسی است که کار سفیدی

از خدمت را به درستی خواهد شد این واژه در قرآن ۲۲ آمده است

۱۷- صحت : بروزن جنسی در اصل به معنی تمایل به باطل و باز خداست آمده است و بسته در مورد گناه

چون گنهی و مختلف بعد از معجزه آمده است این واژه در قرآن ۲ بار آمده است

۱۶۴۲۱۹۱

معنی لغوی اصطلاحی قرآن کریم  
از نظر لغوی واژه قرآن معنی است مانند در جهان یا کفران، نقران، نقصان، لغت انسان

در این لغت قرآن ضمه معنی بیان کرده اند که به دو معنی استقامی بهم

۱- قرآن به معنی جمع و بردآوری و گنای که قابل به این تحول صلی می گویند در آیه ان کلینا جمع و قرآن

سوره نجات آیه ۱۷ واژه جمع و قرآن را مترادف و هم معنای دانند و لذا در وجه طام که می آید قرآن به قرآن

گفته اند چون قرآن جامع فواید قیامی است که از سوی خدا نازل شده اند مانند شریعت انبیا و حج

و علم جامع همه علم می باشد و قرآن در آورده علم که سلطان و آید و ان می باشد و علم از علم معنوی

که متعلق به انبیا بوده و علم مادی و تجربی دنیوی



الف: هنگامی که برادران با هم توطئه می کنند و حضرت یوسف را از بنای جبر عبد الله می گویند مانیروند و می فرستند

و دلیل برتری خودشان بر یوسف می دانند.

ب: هنگامی که گرفتار شدند را بخورد ابراز تلذذ می کند آنها در پاسخ می گویند مانیروندیم و دانش ما برتر است

توان جسمی را مستحق یک محافظ و پاسدار گویند که بعضی می تواند به ما تربیت خود عمل کند.

۲- بازی کردن و تحرک را که خود یعنی ورزش است برای کودکان لازم و ضروری می دانند به همین جهت

و ادران یوسف به جهان بازی کردن یوسف را از پدرش نه خود بدیدیم برانگیخت و مقصود است جدایی کنند.

و حضرت یعقوب نسبت به اینم بازی برای کودک لازم است ایراد نمی گیرد.

۳- بازی در تحرک و ورزشی بهتر است از فضای آزاد و نیز صورت بگیرد نه در فضای آلوده و محیط بسته

به این جهت برادران یوسف به بیابان رفتند در جاده بازی کنند و از مدافع بگذرد.

۴- در حالی که برادران یوسف بندگی برتربنی و نابغ خود را برین اتفاق را مرتکب شدند و به نقل خودشان

برادری را از روی غفلت به لستن دادند بهترین و بیابان سینه برین عفری که نداشتند اشتغال ما به ورزش

است همی گویند ای پدر ما در آیه ۱۷ سوره یوسف ما را نشین و مشغول مسایط کنیم و بفرستند

شده متاع و وسایل خود لذت کنیم و لذت ابراهیم و حضرت یعقوب هم انجام امور مسایط خود همی گویند  
عقوب چون از نظر قرآن:

با مطالعه قرآن کنیم متوجه می شویم که همیشه سعی بدان در قرآن بعنوان یک عامل مثبت و امتیاز در قرآنی

شده است

برای برزخ شدن این مطلب به برخی آیات قرآنی اشاره می‌کنیم

۱- وقتی نبی امرا بلی انتخاب طاوت را از سوی پیامبرشان استوعیل به عنوان رهبر به امتداد قرآنی عهد

حضرت می‌گویند خداوند او را بر سر برنیزیده و قدرت علمی و سیاسی وی را از شما افزودن تر قرار داده است.

۲- در مورد لزوم تعویب نبی بر وی (انفال آیه ۶) در برابر دشمنان آنچه توانایی دارید از شیرو آماره سازید

اینکه این شایسته‌ترین نظامی بوده و بلکه می‌توانسته تعاضد نظام اقتصادی و علمی و خلاصه هر آنچه را که میتوان

ما را در بر و فری بر دوشی پیشی گیرد ~~شکست~~ شایسته‌ترین می‌شود حتی در برخی از روایات می‌نمایم یکی از معادله‌های قوه

این آیه (مومنان سفید را با خراب رنگ کردن است) بنی اسدیم صیارت موطران به سر باز نرسد سال صحره

جوانتر می‌دهد تا دشمنی در عیب گردد و از نظر در نداشتند است و این نشان می‌دهد که چه اندازه منضم قوه

در آیه مومن و صلح است.

۳- وقتی قرآن کریم سرگذشت حضرت موسی را بیان می‌فرماید او را برادران قدیغه و قدیغه حضرت می‌کند. موسی

تصاحب شد به مرد زرد و او در گذشت (مرد نکالیم) .

دفعه حضرت صیبت رفت ای پسر موسی را استقامت کن همانا بهترین کنی را به می‌توانی استقامت کنی است

همانا قوی و این است.

بجز هفتای که حضرت خود می‌خواهد یکی از نفعهای خدا بر قوم خود را بر سر خود می‌نیزد و به جسم شایسته

فرزندی داد و از قرآن و تکریم بر می‌آید که تمام نفعاتش در دست استخوان خود دند و از قول آنجا

می خوانیم به چه کسی از ما میز و سفر است

۵- خداوند در آیات متعدد خود را قوی می نامد مثلا این آیه: خداوند کسی است قدرت عظیمی دارد او بسیار اعظم

داده همان کسی که توانایی فوق العاده و سلطه بر همه دارد.

تمامی قدرت و توانایی از آن خداست.

مقصود از وجه خداوند چیست؟ همه چیز فایده نئی نبود الی وجه خداوند (مقصود آیه ۸۸)

خداوند سبحان می فرماید: سوره نحل آیه ۹۵: هر چه نخواستیم فایده نئی نبود و فانی بر است

و هر چه نخواست باقی می ماند. از این آیه تعریف و آیات دیگر استفاده می شود که وجه خدا همان

ما عندنا است.

لذا با ضمیمه کردن این آیات به هم استفاده می شود که سجده و سجده و نماز و زوال ندارند زیرا عند الله.

و عند ربهم هستند و هر چه عند الله است باقی و پایدار است و راننده (م) بالاترین سجده هستند

واژه تفسیر به چه معناست؟ تفسیر از لغت عربی است یعنی روشنی کردن و آشکار کردن و در اصطلاح

مفسران عبارت است از زود کردن ابرام از لغت و شکل و دستاورد و انتقال تمام مورد نظر تبارها و دشواریات

تفسیر برای به چه معناست؟ برای عبارت است از اعتقاد حاصل از اعتقاد و نقل آن تصور است که

عائمه معصومات مورد دیدن ذهنی باشند به برخی از دانشمندان برای در این مورد به معنای هدای و هدیه

گفته اند در تفسیر برای در واقع طرف اقبال تفسیر قرآن است بلکه خودش نظر و هوا و هوا هم دارد

که می خواهد آنرا توجیح دیگری کند و سعی می کند از قرآن برای خودش دلیل توجیح کننده بیابد و در مسئله منافقین

در تفسیر آیه الذین یؤمنون به الغیب (غیب) را بار باره تفسیر می کند و می گوید اینها همان منافقینند

هر کسی قرآن را مطابق نظر زنی خود تفسیر کند جایزه عاقبتی آنش جهنم است

منظور از اصحاب شمال در قرآن چیست؟ تغییراتی که در آن کردیم به نام اصحاب یمن یا اصحاب میمنه از بد

قرن و اصحاب شمال یا اصحاب المشرق از طرف دیگر برای تفسیر مردم از نظر عاقبت آمده است

حقیقتش را بیان می کند یعنی صرف نامگذاری نیست اصحاب یمن یا ان و است یا ان راست

و اصحاب شمال یعنی یاران چپ و تنهایی که از آنها اهل سعادت هستند یعنی و شمال در قرآن

کنایه از درناوی سعادت و شقاوت بکار رفته است یعنی ناه محل از ناصیه سعادت و رحمت و عاقبت

و یاران شاق و شقاوت و نکبتیم آنها می رسد در قرآن کردیم برای اصحاب یمنی تعبیرهای زیبایی

یاد شده است به نعت های مادی و معنوی را از محل می شود اصحاب شمال اولی هستند و است

غیر ورشده و از معنوی و حقایق به قرائت اوقات خود را به تذبذب انبیا و اولیا و خداوند تبارک و تعالی

و روح نبیانشان همان است در آینده اند

اهل باقر (م) عالمی در اهل یمن مسلم

ضمایلی و ویژگیهای اهل یمن در دنیا ۱۴ تا ۱۵ که در دوره از صفات اهل یمن است سوره بقره آیه ۱۳

۲- اتمام به ایمان سوره بقره آیه ۱۵ تا ۱۶ با نغز ادان به پیش از خدیش و بدان و یا مستعدی

۱۷

۳) ایمان و توحید به صبر سوره بقره آیه ۱۷ پس از آن که خداوند ایمان آورد و هدایت را به صبر توصیف می کند

۴) توصیف صبرانی که در سوره بقره آیه ۱۷ نفس صابرین اهل رقیقت سوره حاقه

\* و شریک اصحاب یعنی در آخرت؟ (۱) داده شدن نامه اعمال به وقت آنجا (۲) باران است در آن

اصحاب چنین به سوی اهل خدیش رقیقت پس از صابرین آن است سوره انشقاق آیه ۸

۵) زندگی رضایت بخش در آخرت حاقه ۱۹ تا ۲۱ (۴) پوست عالی رقیب (۵) غلای لوارا

۶) در دسترس بودن میوه های بهشتی را برای اصحاب پس (۷) مصونیت اصحاب یعنی از

امارت کردار و اشغال و حلقه قرآن، چنانچه آیه نیز در هر روز هر کسی بکند بر شش میسوزد در بدن لطیفش از راه

تا بر در پنج نفع میسر نماید و آن پس بلائین آیتها میگردند و ضمه خبری بعد از سر برفت همچون مسیحا هم

آیه که در کتابش است که میگوید که لو کان فیما الله لغسدنا

از نوزده همان <sup>تراورد</sup> که در اوست کل یعمل علی ش کلفه هر کسی طبق ضمه خود عمل می کند اسراء ۸۴

خند نماند در طرد آیتان قریب به دو شش قرآن در سده و کمی از بدت آن در مدینه

نقد آیات کلی ۴۴۲۸ آیه و تعداد آیات مدنی ۱۷۶۸  
قصص انبیاء در صورتی که کلی بیان شده و فقه یا احکام قرآن در آیات هادی مدنی

در آن حدت بدست فقط در یک سوره آیه و

کاتبان وحی تا ۴ نفر بودند ده نفرها عارضند - چهار خلیفه پنجم ابی بن لب

طلحه - زبیر سعد بن ابی وقاص

زبیر بن ثابت ~~ابو بکر~~ ابو حذیفه ~~عمر بن الخطاب~~

ده نفر از قطران امام علی (ع) - عثمان ابن سعید - ابی بن لب - ایوب در ۴ - زبیر بن ثابت

ابو حذیفه - معاذ بن جبل - ابوزبیر - سعید الداری

آداب صحابی را سیزده و صحابه از نظر قرآن کدام؟

۱ دعوت احراب آیه ۵۳ ۲ استعمال از میخانه احراب ۵۳

۳ بی تعارف و صریح آیه ۴۸ سوره نور ۴ عدم تاراجی سوره آیه ۲۸ ۵ انتظار جرات آیه ۵

۶ بدل اجاره وار شدن احراب ۴ - وجوب ۵ ۷ پس تازید بعم و قسیت نفر ۱۱

۸ - شستن هر جا که سندان است مجازله ۱۱ ۹ جادادن به دشمنی مجازله ۱۱

۱۰ اقوام مجازله ۱۱ ۱۱ کتاب در پیله برای تازیات آیه ۲۲ ۱۲ یا ایها هم

۱۳ - غذا حلال بهترین غذا سفوفنداز تمارت کردن اندازند نغمه داشتن خوردن خوش خوی

ریخت و پاشی کردن